

## ایشجی

پس از عمری پریشان گشته ایشجی  
به پیری تر دامان گشته ایشجی

تلاش نامداری ها بسر داشت  
ز ک..مشهور جهان گشته ایشجی

ستون دین شکستند بر سر او  
که عارض پیش دیوان گشته ایشجی

به شاخ گوچرا جنگ داده کون را ؟  
ز کار خود پشیمان گشته ایشجی

بلوسه داده اند او را به امری  
که اینسان خر شیطان گشته ایشجی

هدف سان ترشش از سنان نبودی  
کنون از تیر هراسان گشته تشجی

غلام باره ای غلتبان پیشین ؟  
کنون بی عیب غلمان گشته ایشجی

نخواهد صرفه بردی زین تجارت  
ز بهر غیر چاخان گشته ایشجی

**چنان در بحر بی ننگی است غرقه**  
**که ننگی بهر دودمان گشته ایشجی**

ردای زهد و تقوی سا ترش بود  
بیک باره چه عریان گشته ایشجی

جوآزهای جوزجان پارگیهاست  
عجب مشهور دوران گشته ایشجی

به صف پر غرور "گی" گیتی  
چه فخر الملک سلطان گشته ایشجی

**به زیر کاسه اش نیم کاسه است**  
به غیر هم کاسه ، همخوان گشته ایشجی

**د سیسه ای بزرگی هست در کار**  
**به غیر همدست و پیمان گشته ایشجی**

پس پیری بدام غیر فتاده  
ازان آلوده دامان گشته ایشجی

لب پر خنده گوید قصه نا مرد  
عجب گریز ارزان گشته ایشجی

میادا قصه ای **کرک** شود باز  
اسیر دام پنهان گشته ایشجی

تو فتح قلعه میخواستی ز داخل  
به دشمن هم پیمان گشته ایشجی

\*\*\*\*\*

\*\*\*